

بررسی تطبیقی نقش قوه قضائیه در کشورهای اسلامی افغانستان، مصر، پاکستان و ایران

محمدباقر فهیمی / کارشناسی ارشد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و سطح ۴ حوزه علمیه قم baqer136513@yahoo.com

سیدابراهیم حسینی / استادیار گروه حقوق موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی sehoseini@hotmail.com

دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵

چکیده

بر اساس نظریه تفکیک قوا، قوه قضائیه یکی از سه بخش عمده حکومت بوده و وظایف معینی دارد؛ اما در برخی کشورهای اسلامی وظایف دیگری نیز به آن محول شده است. بررسی تطبیقی این قوه در کشورهای اسلامی ایران، افغانستان، پاکستان و مصر می‌تواند نقاط قوت و ضعف آن را نشان دهد و در نتیجه قوه قضائیه کارآمدی را پیشنهاد نماید. کاستی‌های قوه قضائیه افغانستان، عدم نهادهایی مانند دادگاه تخلفات اداری و سازمان بازرسی کل کشور و نبودن نهاد نظارتی بر قوه قضائیه است. از طرفی وظیفه تفسیر و تطبیق قانون اساسی از صلاحیت وی خارج است. قوه قضائیه مصر ساختار و تشکیلات منظمی دارد و برای نظارت بر قوه قضائیه نهادهای متعددی پیش‌بینی شده؛ اما چالش عمده آن وابستگی به ریاست جمهوری است. چالش بزرگ قوه قضائیه پاکستان عدم استقلال است که از رئیس تا قضات، همه منصوب رئیس‌جمهور است. قوه قضائیه ایران مستقل و دارای تشکیلات منظمی است و نقطه قوت آن نظارت فقیه عادل و مجتهد بر آن است.

کلیدواژه‌ها: قوه قضائیه، افغانستان، مصر، ایران، پاکستان.

کشورهای اسلامی نظام سیاسی واحدی ندارند، تفاوت نظام سیاسی موجب تغییر در ساختار قوه قضائیه می‌گردد، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران از نوع بسیط بوده و مدل جدیدی است که به نظام امت و امامت شهرت یافته است (بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۱۹). مشروعیت حکومت الهی، و مقبولیت آن مردمی است. نظام سیاسی افغانستان نیز از نوع بسیط بوده و نیمه‌ریاستی و نیمه پارلمانی است (صداقت و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۸۵). اما نظام سیاسی پاکستان، جمهوری پارلمانی فدرال متشکل از چهار ایالت و چهار قلمرو فدرالی است (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۳۲۸). دارای یک حکومت مرکزی بوده و در سطح بین‌الملل، حکومت مرکزی پاکستان رسمیت دارد. نظام سیاسی مصر مبتنی بر تفکیک قوا و دارای حکومت یکپارچه و مستقل است و مردم حق تعیین‌کننده در انتخاب حکومت و رئیس‌جمهور دارند (کعبی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۱-۷۳). ستره محکمه (نهاد عالی قضایی) در افغانستان علاوه بر وظیفه اصلی خود، تطبیق و تفسیر قانون اساسی و نظارت بر اجرای آن را نیز بر عهده دارد. از سوی دیگر، بر اساس اصل ۱۵۷ قانون اساسی افغانستان، کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی تشکیل می‌شود. قلمرو کاری این دو نهاد تداخل دارد و با ابهاماتی مواجه است (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲-۱۶۴). دادگاه قانون اساسی مصر نیز یک نهاد قضایی است اما وظیفه حراست و تطبیق قوانین با قانون اساسی را بر عهده دارد. دادگاه شریعت در پاکستان وظیفه تطبیق قوانین با احکام اسلامی را بر عهده دارد و صلاحیت وضع قوانین جدید را نیز داراست. در ایران شورای مستقلی خارج از نهاد قوه قضائیه به نام شورای نگهبان وظیفه تفسیر قانون اساسی و تطبیق قوانین عادی با آن را بر عهده دارد. ایجاد و تأسیس این گونه نهادها در قوه قضائیه، ایجاب می‌کند بررسی تطبیقی در این مورد صورت گیرد تا کارآمدی و ناکارآمدی آنها روشن گردد.

این مقاله نقش و جایگاه قوه قضائیه در کشورهای افغانستان، مصر، پاکستان و ایران را در چند محور کلی بررسی می‌کند.

۱. ویژگی‌های ساختاری قوه قضائیه

قوه قضائیه در کشورهای مختلف، ساختار و ترکیب متفاوتی دارد که در ادامه بررسی می‌شود:

۱-۱. جمهوری اسلامی افغانستان

فصل هفتم قانون اساسی افغانستان، به قوه قضائیه، ساختار، حیطه حاکمیت و اختیارات آن می‌پردازد. ساختار و تشکیلات قوه قضائیه در افغانستان به‌گونه‌ای است که نهادهای متعدد و مختلف را شامل می‌شود. بر این اساس، ساختار قوه قضائیه مرکب است از چند نهاد عمده که ذیلاً ذکر می‌گردد:

۱-۱-۱- ستره محکمه

بر اساس قانون اساسی افغانستان، ستره محکمه (شورای عالی قضایی) به حیث عالی‌ترین نهاد در رأس قوه قضائیه

افغانستان قرار دارد (ق. ا. اصل ۱۱۶). ستره محکمه دارای نه عضو است که از جانب رئیس‌جمهور با تأیید ولسی جرگه انتخاب می‌شود و رئیس‌جمهور یکی از اعضا را به‌عنوان رئیس ستره محکمه انتخاب می‌کند. تعیین اعضا برای دو بار جواز ندارد. اعضای ستره محکمه به استثنای حالت مندرج ماده یک‌صد و بیست و هفتم این قانون اساسی، تا ختم دوره خدمت، از وظایفشان عزل نمی‌شوند (ق. ا. اصل ۱۱۷).

بر اساس اصل ۱۱۷ بالاترین دوره خدمت اعضای ستره محکمه ده سال است، قانونگذار اساسی دلیل محدودیت تصدی عالی‌ترین رکن قضایی را استبداد و بیرون رفتن از خط اعتدال و عدالت، دانسته است (علیزاده، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۴۶).

اعضای ستره محکمه طبق قانون اساسی باید شرایط ذیل را دارا باشند:

۱. سن رئیس و اعضا در حین تعیین، از چهل سال کمتر نباشد؛
۲. تبعه افغانستان باشند؛
۳. در علوم حقوقی یا فقهی تحصیلات عالی، و در نظام افغانستان تخصص و تجربه کافی داشته باشند؛
۴. دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشند؛
۵. از طرف محکمه، به ارتکاب جرایم ضدبشری، جنایت یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشند؛
۶. در حال تصدی وظیفه، در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد (ق. ا. اصل ۱۱۸).

۱-۲. محاکم استیناف

محاکم استیناف، همان محاکم تجدیدنظر است که صلاحیت دارد آرای صادره از محاکم بدوی را دوباره بررسی کند و در آن تجدید نظر نماید. ساختار و تشکیلات و نحوه عملکرد آنها، توسط قانون تعیین می‌گردد (ق. ا. اصل ۱۱۶).

۱-۳. محاکم ابتدائیه

بر اساس قانون اساسی افغانستان، محاکم ابتدائیه همان محاکم بدوی است که مدعی و خواهان، دعوای و شکایات خود را به این محاکم تحویل می‌دهد و برای حل و فصل و رسیدگی به شکایات و اختلافات، به این محاکم مراجعه می‌نماید. صلاحیت و تشکیلات این محاکم توسط قانون تعیین می‌گردد (ق. ا. اصل ۱۱۶).

۱-۴. محاکم خاص

در افغانستان طبق قانون اساسی در سه مورد محکمه خاص تشکیل می‌گردد که تشکیلات، صلاحیت و نحوه عملکرد آنها را قانون تعیین می‌نماید. آن موارد عبارت‌اند از:

الف. محاکمه رئیس‌جمهور

تقاضای محاکمه رئیس‌جمهور به اتهام ارتکاب جرایم ضدبشری، خیانت ملی یا جنایت، از طرف یک‌سوم کل

اعضای ولسی جرگه مطرح می‌شود. در صورتی که این تقاضا از طرف دوسوم کل آرای ولسی جرگه تأیید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دایر می‌نماید. هرگاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دوسوم آرای کل اعضا تصویب کند، رئیس‌جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد. محکمه خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از اعضای ولسی جرگه و سه نفر ستره محکمه به تعیین لویه جرگه. اقامه دعوی توسط شخصی که از طرف لویه جرگه تعیین می‌گردد، صورت می‌گیرد (ق.ا. اصل ۶۹).

ب. محاکمه وزرا

هرگاه وزیر به ارتکاب جرایم ضدبشری، خیانت ملی یا جرایم دیگر متهم گردد، قضیه با رعایت ماده یکصدوسی و چهارم این قانون اساسی به محکمه خاص محول می‌گردد (ق.ا. اصل ۷۸).

ج. محاکمه عضو ستره محکمه

هرگاه بیش از یک سوم اعضای ولسی جرگه، محاکمه رئیس یا عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نماید و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دوسوم کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد. تشکیل محکمه و شیوه محاکمه توسط قانون تنظیم می‌گردد (ق.ا. اصل ۱۲۷).

۲-۱. جمهوری عربی مصر

فصل سوم از قانون اساسی جدید مصر به قوه قضائیه، ساختار، حیطه حاکمیت و اختیارات آن می‌پردازد. ساختار و تشکیلات قوه قضائیه در مصر به گونه‌ای است که نهادهای متعددی تحت عنوان قوه قضائیه تأسیس شده و به فعالیت‌های مختلف مشغولند که در ادامه ذکر می‌گردد:

۱-۲-۱. دادگاه عالی قانون اساسی

در تقسیم‌بندی نهادهای نظارتی، دادگاه قانون اساسی مصر در زمره نهادهای نظارتی قضایی ه شمار می‌رود. دادگاه قانون اساسی مصر به عنوان مرجع مستقل و دور از نظارت قوای دیگر، بررسی مطابقت قوانین مجلس و سایر قوانین با قانون اساسی و همچنین تفسیر متون قانونی را بر عهده دارد. این مرجع، عالی‌ترین نهاد حکومتی در حفظ و حراست از قانون اساسی است (ق.ا. اصل ۱۷۵).

۱-۲-۲. دادستانی

دادستانی به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر از دستگاه قضایی، مسئولیت تحقیق و بررسی و مطرح کردن اتهامات قضایی را بر عهده دارد. ریاست دادستانی، دادستان کل است که به حکم رئیس‌جمهور و از میان اعضای شورای عالی قضایی انتخاب می‌گردد. دادستان می‌بایست از روسا یا معاونان رئیس دادگاه استیناف یا مشاوران عام دادستان

باشد که برای چهار سال و فقط یک دوره می‌تواند این مسئولیت را در اختیار داشته باشد. در صورت بازنشسته شدن بین دوره دادستانی، مسئولیت او نیز پایان می‌پذیرد (ق. ا. اصل ۱۷۳).

۲-۳. دادگاه تخلفات اداری

این دادگاه به‌عنوان دادگاه مستقل قضایی و تنها مرجع حل و فصل منازعات اداری و منازعات اجرایی احکام به حساب می‌آید. وظیفه این دادگاه بررسی دادخواست‌ها و شکایت‌های مربوط به تخلفات انضباطی کارمندان است. تصمیم‌گیری و اظهار نظر پیرامون موارد پیش‌بینی شده در قوانین و بررسی قراردادهایی که یک سوی آن دولت قرار دارد، از دیگر وظایف این دادگاه است. علاوه‌براین، پیش‌نویس مقررات و قوانین را از طرف نهاد دولتی که به این شورا ارجاع داده است، بررسی می‌کند (ق. ا. اصل ۱۷۴).

۲-۴. نهاد قضائی دولت

نهاد قضایی دولت یک نهاد مستقل است و در امور اختلافی، نماینده قانونی دولت است و کنترل فنی ادارات امور حقوقی در دستگاه‌های اداری دولت را بر عهده دارد. وظیفه این نهاد تهیه قراردادها و حل و فصل منازعاتی است که دولت در آن، یک طرف منازعه است و این اقدامات بر اساس قانون صورت می‌گیرد (ق. ا. اصل ۱۷۹).

۲-۵. دادستانی اداری

دادستانی اداری نهاد مستقل قضایی است و وظیفه آن تحقیق در تخلفات مالی و اداری و پیگیری شکایت‌ها در دادگاه‌های شورای دولت و اتخاذ اقدامات قانونی برای رفع کوتاهی‌های صورت‌گرفته در عملکرد ارکان عمومی است. قانون شرح وظایف این نهاد را تعیین می‌کند و اعضای آن از مصونیت، ضمانت، حقوق و وظایف مقرر شده برای اعضای قوه قضایی برخوردارند (ق. ا. اصل ۱۸۰).

۲-۶. دادگاه نظامی

نهاد قضایی نظامی نهادی مستقل است که رسیدگی به جرایم متعلق به نیروهای مسلح، افراد و افسران آن را بر عهده دارد و تمام جرایمی که در داخل نهادهای نظامی یا تأسیسات نیروهای مسلح رخ می‌دهد، در حوزه صلاحیت‌های این نهاد است. غیرنظامیان تنها در صورتی در این محکمه محاکمه می‌شوند که جرم آنها آسیبی به نیروهای مسلح وارد کرده باشد (ق. ا. اصل ۱۹۸).

۳-۱. جمهوری اسلامی پاکستان

بخش هفتم از قانون اساسی پاکستان به قوه قضائیه، ساختار، حیطة صلاحیت و اختیارات آن پرداخته و خود متضمن چند فصل است. قوه قضائیه جمهوری اسلامی پاکستان نیز مرکب از تشکیلات و نهادهای متعددی است که وظایف متعدد و گوناگونی را انجام می‌دهند که در ادامه مهم‌ترین آنها ذکر می‌گردد:

۱-۳-۱. دیوان عالی پاکستان

مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهاد قوه قضائیه در پاکستان، دیوان عالی است. دیوان عالی پاکستان مرکب است از رئیس دیوان عالی که توسط رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود و تعداد قضات دیگر که رئیس‌جمهور با مشورت رئیس دیوان عالی آنان را انتخاب می‌کند (ق. ا. اصل ۱۷۷).

قاضی دیوان عالی باید شرایط ذیل را داشته باشد:

الف. برای مدت حداقل پنج سال متوالی یا متناوب، قاضی یک دادگاه عالی بوده باشد.

ب. برای مدت حداقل پانزده سال متوالی یا متناوب، دادستان یک دادگاه عالی بوده باشد (ق. ا. اصل ۱۷۷).

۱-۳-۲. دادگاه‌های عالی

به موجب قانون اساسی، هر ایالت پاکستان دارای یک دادگاه عالی است. دادگاه عالی مرکب است از یک رئیس دادگاه و چند قاضی دیگر که قانون تعیین می‌کند. قضات دادگاه عالی را رئیس‌جمهور پس از مشورت با افراد ذیل تعیین می‌نماید:

الف. رئیس دیوان عالی پاکستان؛

ب. فرماندار ایالت مربوطه؛

ج. رئیس دادگاه عالی، به جز مواردی که انتصاب خود رئیس دادگاه مطرح باشد (ق. ا. اصل ۱۹۳).

قاضی دادگاه عالی باید شرایط ذیل را دارا باشد:

۱. تبعه پاکستان بوده و کمتر از پنجاه سال سن نداشته باشد؛

۲. برای مدت حداقل ده سال متوالی یا متناوب، دادستان یک دادگاه عالی بوده باشد؛ یا برای مدت حداقل ده

سال عضو یکی از دستگاه‌های دولتی بوده که به موجب قانون از لحاظ این بند تشکیل شده باشد؛ همچنین مدت

حداقل سه سال به‌عنوان قاضی ناحیه در پاکستان خدمت کرده یا وظایف وی را انجام داده باشد؛ یا به مدت حداقل

ده سال در سمت قضاوت بوده باشد (ق. ا. اصل ۱۹۳).

۱-۳-۳. دادگاه شریعت فدرال

بر اساس اصل ۲۰۳ قانون اساسی پاکستان، دادگاهی تحت عنوان دادگاه شریعت فدرال تأسیس خواهد شد. این دادگاه حداکثر از هشت قاضی مسلمان شامل رئیس دادگاه تشکیل می‌شود که توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌گردند.

شرایط قضات دادگاه به شرح ذیل است:

الف. رئیس دادگاه باید شخصی باشد که قاضی دیوان عالی است یا قبلاً بوده یا صلاحیت آن را دارد یا اینکه قاضی

دائمی دادگاه عالی است یا قبلاً بوده است؛

ب. از قضات دادگاه حداکثر چهار نفر باید افرادی باشند که هر کدام قاضی دادگاه عالی‌اند یا بوده‌اند یا صلاحیت آن

را دارند. همچنین باید حداکثر سه نفر، از علمای اعلم حقوق اسلامی باشند؛

ج. رئیس و قضات دادگاه نمی‌توانند بیش از سه سال سمت‌های یادشده را داشته باشند؛ ولی می‌توانند برای دوره یا دوره‌های دیگر، بنا به تشخیص رئیس‌جمهور مجدداً منصوب گردند (ق.ا. اصل ۲۰۳).
برخی صاحب‌نظران این دادگاه را با فقهای شورای نگهبان مقایسه نموده و تأثیرپذیری آن از نهاد شورای نگهبان در ایران را نزدیک به حق دانسته است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۴۵۴-۴۵۵).

۱-۳-۴. شورای عالی قضائی

در قانون اساسی پاکستان نهاد قضایی دیگری پیش‌بینی شده است به نام شورای عالی قضایی. این شورا از لحاظ ساختاری مرکب است از:

الف. رئیس دیوان عالی پاکستان؛ ب. دو نفر از قضات ارشد دیوان عالی؛ ج. دو نفر از رؤسای ارشد دادگاه‌های عالی. به‌منظور بررسی و رسیدگی به هر موضوعی، شورا همان قدرت دیوان عالی کشور را برای صدور امریه‌ها یا احکام احضار اشخاص یا افشا و ارائه هر سندی دارد و اجرای امریه یا حکم یاد شده به گونه‌ای خواهد بود که گویی از سوی دیوان عالی صادر گردیده است (ق.ا. اصول ۲۰۹ و ۲۱۰).

۱-۳-۵. دادگاه‌ها و محاکم اداری

به موجب قانون اساسی پاکستان، قوه مقننه ذی‌ربط می‌تواند بر حسب قانون، امکان تشکیل یک یا چند دادگاه یا محکمه اداری را برای اعمال صلاحیت قضایی انحصاری در مورد افراد و موضوعات ذیل فراهم سازد:
الف. موضوعات مربوط به موقعیت و شرایط افراد از جمله مسائل انضباطی کسانی که در دستگاه دولتی پاکستان بوده یا هستند؛
ب. موضوعات مربوط به دعاوی علیه اعمال زبان‌بار حکومت یا هر کسی که در دستگاه دولتی پاکستان است یا هر دستگاه محلی دیگر که به موجب قانون، قدرت وضع یا تعیین مالیات را دارد؛ و نیز مستخدمین دستگاه مزبور که وظایف محوله خود را در سمتی که دارند، انجام می‌دهند؛
ج. موضوعات مربوط به تصاحب، اداره و تعیین تکلیف اموالی که طبق قانون، اموال دشمن شناخته می‌شوند (ق.ا. اصل ۲۱۲).

۱-۴. جمهوری اسلامی ایران

فصل یازدهم از قانون اساسی ایران به قوه قضائیه، ساختار، حیطه صلاحیت و اختیارات آن می‌پردازد. ساختار و تشکیلات قوه قضائیه در ایران نیز به‌گونه‌ای است که نهادهای متعدد و مختلف دارد و وظایف گوناگونی را انجام می‌دهند که در ادامه مهم‌ترین آنها ذکر می‌گردد:

۱-۴-۱. رئیس قوه قضائیه

در رأس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران شخص مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی قرار دارد که توسط ولی‌فقیه، رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران، برای مدت پنج سال منصوب می‌شود. ریاست قوه قضائیه عالی‌ترین مقام این قوه است (ق.ا. اصل ۱۵۷).

۱-۴-۲. وزارت دادگستری

به موجب قانون اساسی برای انجام وظایف قضایی، وزارت دادگستری تشکیل می‌شود که مرجع رسمی تظلمات و شکایات است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها، توسط قانون تنظیم می‌گردد (ق. ا. اصل ۱۵۹).

وزیر دادگستری از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت، وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرائی پیش‌بینی می‌شود (ق. ا. اصل ۱۶۰).

۱-۴-۳. دیوان عالی کشور

این دیوان به‌منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود، بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند، تشکیل می‌گردد (ق. ا. اصل ۱۶۱). رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند (ق. ا. اصل ۱۶۲).

۱-۴-۴. دیوان عدالت اداری

برای رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند (ق. ا. اصل ۱۷۳).

۱-۴-۵. سازمان بازرسی کل کشور

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند (ق. ا. اصل ۱۷۴).

۲. استقلال و عدم استقلال قوه قضائیه

بر اساس نظریه تفکیک قوا، قوای سه‌گانه حکومت باید وظایف و اختیاراتشان از همدیگر کاملاً متمایز و مستقل باشند تا از تراکم قدرت در یک قوه جلوگیری شود (قاضی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۴). بنابراین، قوه قضائیه باید از قوای دیگر مستقل باشد و به هیچ وجه تحت تأثیر آنها نباشد؛ از سوی دیگر، باید نسبت به طرفین دعاوی و شکایات بی‌طرف باشد. هرگونه پیش‌داوری قاضی و حمایت از یک طرف دعوا، نقض اصل عدالت محسوب می‌گردد (عمیدزنجانی، ۳۹۱، ص ۱۴۳). از این رو، بررسی استقلال و عدم استقلال قوه قضائیه در کشورهای یاد شده ضروری است.

۲-۱. جمهوری اسلامی افغانستان

طبق قانون اساسی افغانستان، قوه قضائیه یکی از سه قوای حکومتی را تشکیل می‌دهد و در وظایف و اختیارات خود مستقل از دیگر قواست. در اصل ۱۱۶ قانون اساسی آمده است: «قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می‌باشد».

با وجود استقلال ماهوی این قوه از سایر قوا، قوای مجریه و مقننه در تعیین و نصب مقامات عالی‌رتبه این قوه دخالت دارند؛ چنان که تعیین لوی ثارنوال (دادستان کل کشور)، اعضای ستره محکمه (دیوان عالی کشور) و رئیس آن به‌عنوان رئیس قوه قضائیه، توسط رئیس‌جمهور و با تأیید مجلس شورای ملی صورت می‌پذیرد (بندهای ۱۱، ۱۲، اصول ۶۴ و ۱۱۷ ق.ا.).

۲-۲. جمهوری عربی مصر

در کشور مصر نیز قوه قضائیه یک نهاد مستقل از قوای دیگر است و تحت تأثیر و دخالت هیچ قوه دیگری نیست. بر این امر مهم، در مواضع متعدد قانون اساسی مصر تأکید شده است. در این قانون آمده است: «دستگاه قضایی مستقل است؛ مسئولیت دادگاه‌های قضایی را بر عهده دارد و احکامش را بر اساس قانون صادر می‌کند. قانون، اختیارات آن را تعیین می‌کند. دخالت در امور عدالت و مسایل جنایی، جرمی است که با گذر زمان از بین نمی‌رود» (ق.ا. اصل ۱۶۸). در اصل دیگری نیز بر این امر مهم تأکید شده است: «قضات، مستقل و غیرقابل عزل‌اند؛ هیچ تسلطی بر آنها در مورد اعمالشان غیر از قانون وجود ندارد؛ آنها در حقوق و تکالیف با هم برابرند؛ قانون، شروط و اقدامات اجرایی تعیین آنها را مشخص می‌کند و زمینه‌های بازخواست تأدیبی آنها را نیز تعیین می‌کند؛ تعیین نمایندگی آنها تنها به صورت کامل ممکن است و تمام این مسائل برای حفاظت از استقلال دستگاه قضا در پیشبرد وظایف آن است» (ق.ا. اصل ۱۷۰). یکی از حربه‌های همیشگی حکومت‌های مستبد برای مقابله با مخالفین خود، تبدیل جلسات علنی قضاوت و صدور حکم به جلسات غیر علنی است که حکومت با اعمال نفوذ در آرای قضایی، عرصه را بر مخالفان تنگ می‌نماید (هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۴۲۸). برای جلوگیری از این امر، اصل ۱۷۱ ق.ا. مصر تصریح کرده است که جلسات دادگاه‌ها باید علنی برگزار شوند.

۲-۳. جمهوری اسلامی پاکستان

قوه قضائیه پاکستان مثل سایر کشورهای دیگر از قوه مجریه کاملاً مستقل و جدا نیست. طبق قانون اساسی، قوه قضائیه ظرف چهارده سال از روز آغاز به‌تدریج از قوه مجریه منفک خواهد شد (ق.ا. بند ۳ اصل ۱۷۵). بیشتر قضات توسط رئیس‌جمهور عزل و نصب می‌شود. قضات دیوان عالی، رئیس دیوان عالی، قضات و رئیس دادگاه‌های عالی و صلاحیت افزایش قضات و نقل و انتقال قضات از محلی به محل دیگر، همه توسط رئیس‌جمهور انجام می‌شود (ق.ا. اصول ۱۷۷، ۱۹۲، ۱۹۷ و ۲۰۰).

۲-۴. جمهوری اسلامی ایران

در کشور ایران قوه قضائیه یک نهاد کاملاً مستقل و جدا از دیگر قواست. قوه مقننه و قوه مجریه هیچ دخالتی بر وظایف و اختیارات قوه قضائیه ندارند. رئیس قوه قضائیه توسط مقام رهبری انتخاب می‌شود و دیگر قضات و مقامات قضائی توسط رئیس قوه قضائیه تعیین و منصوب می‌شود. از این رو، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت تمام استقلال قوه قضائیه را متذکر شده است. در قانون اساسی آمده است: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است» (ق.ا. اصل ۱۵۶).

۳. مصونیت و عدم مصونیت قضات

یکی از مسائل مهم و اساسی در قوه قضائیه مسئله مصونیت و عدم مصونیت قضات در امر قضاوت و صدور حکم است. قاضی باید طبق دلایل و شواهد کافی که اقامه می‌شود، دعوی را حل و فصل کند؛ بدون اینکه از جانب کسی یا نهادی تهدید و تطمیع شود. اگر قاضی بر اساس تهدید و ترس از کسی بخواهد دعوی را حل و فصل نماید، بی‌شک از مسیر اصلی قضاوت که اثبات حق است، دور خواهد شد و هیچ صاحب حقی به حق خودش نخواهد رسید. بنابراین، برای حفظ مصونیت قضات باید تدابیری اندیشیده شود. حقوقدانان برای تأمین مصونیت قضات، اصل تغییرناپذیری قضات را به عنوان اصل بنیادین پذیرفته‌اند (قاضی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۷). نگارنده می‌کوشد این امر مهم را در کشورهای یادشده بررسی نماید.

۳-۱. جمهوری اسلامی افغانستان

در قانون اساسی افغانستان مسئله مصونیت و عدم مصونیت قضات مطرح نشده است. شاید این یکی از نقاط ضعف قانون اساسی افغانستان است. البته درباره امنیت شغلی قضات ستره محکمه آمده است: «اعضای ستره محکمه به استثنای حالت مندرج ماده یک‌صد و بیست و هفتم این قانون اساسی، تا ختم دوره خدمت از وظایفشان عزل نمی‌شوند» (ق.ا. اصل ۱۱۷). بر اساس مفاد اصل ۱۱۷ و اصل ۱۲۷ قانون اساسی می‌توان استنباط کرد که قاضی در راستای انجام وظیفه قضاوت، مصونیت کامل دارد و فقط در صورت ارتکاب جرم و اثبات شدن آن محاکمه می‌شود، اصل یک صد و بیست و هفتم مقرر می‌دارد: «هرگاه بیش از یک‌ثلث اعضای ولسی جرگه، محاکمه رئیس و یا عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نماید و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دوثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد. تشکیل محکمه و طرز العمل محاکمه، توسط قانون تنظیم می‌گردد».

۳-۲. جمهوری عربی مصر

طبق قانون اساسی مصر، قضات باید استقلال و مصونیت کامل داشته باشند و هیچ مقامی نمی‌تواند در امور قضایی و قضات دخالت نماید. قانون اساسی مصر از دو طریق بر مصونیت قضات تأکید کرده است:

۱. به صورت عام و کلی نهاد قوه قضائیه و قضات را از دخالت دیگران مصون دانسته است؛ مثل این اصل که مقرر می‌دارد: «قضات مستقل و غیرقابل عزل هستند؛ هیچ تسلطی بر آنها در مورد اعمالشان غیر از قانون وجود ندارد. آنها در حقوق و تکالیف با هم برابرند» (ق.ا. اصل ۱۷۰).

در اصل دیگری نیز به مصونیت و استقلال قضات اشاره نموده و دخالت در امور قضایی را جرم تلقی کرده است: «دخالت در امور عدالت و مسائل جنایی جرمی است که با گذر زمان از بین نمی‌رود» (ق.ا. اصل ۱۶۸).

۲. به صورت خاص نهادهای معین قضایی را از دخالت نهادها و افراد دیگر مصون دانسته است. در مورد دادستانی اداری آمده است: «دادستانی اداری نهاد مستقل قضایی است... و اعضای آن از مصونیت، ضمانت، حقوق و وظایف مقرر شده برای اعضای قوه قضایی برخوردار هستند» (ق.ا. اصل ۱۸۰). عین این عبارت در مورد نهاد قضایی دولت تکرار شده است.

دربارۀ دیگر عوامل قضایی و وکلای دعوای نیز به اصل مصونیت و استقلال آنها اشاره شده و آنها را در راستای وظایف قضایی از تهدید و تطمیع دیگران مصون قرار داده است: «وکالت شغل آزاد و یک رکن از ارکان عدالت است و وکیل با استقلال فعالیت می‌کند و در جریان فعالیت خود از تضمین‌هایی در جهت حمایت از وی به‌منظور انجام فعالیت به‌نحوی که قانون آن را تعیین می‌کند، برخوردار است» (ق.ا. اصل ۱۸۱).

۳-۳. جمهوری اسلامی پاکستان

در قانون اساسی پاکستان مسئله مصونیت قضات به صورت صریح مطرح نشده است؛ اما از محتوای بعضی اصول می‌توان مصونیت قضات را برداشت کرد؛ زیرا فقط با شرایط خاص می‌توان قضات را عزل نمود. در قانون اساسی آمده است: اگر بنا به اطلاعاتی که از شورای عالی قضایی یا هر منبع دیگر دریافت می‌گردد، نظر رئیس‌جمهور این باشد که یک قاضی دیوان عالی کشور یا دادگاه عالی، به دلیل ناتوانی جسمی یا روحی قادر به انجام وظایف خود به‌نحو احسن نیست یا مرتکب خلافی گردیده است، رئیس‌جمهور از رئیس‌شورا خواهد خواست که موضوع را مورد رسیدگی و بررسی قرار دهد. اگر بعد از بررسی و رسیدگی، شورا به رئیس‌جمهور اعلام نماید که به نظر آنها قاضی قادر به انجام وظایف خود نبوده یا مرتکب خلاف گردیده است، قاضی باید از سمت خود عزل گردد. رئیس‌جمهور می‌تواند قاضی را از سمت خود معزول نماید (ق.ا. بند ۵ اصل ۲۰۹).

۳-۴. جمهوری اسلامی ایران

طبق قانون اساسی ایران، قضات از مصونیت و امنیت کامل برخوردارند و هیچ مقامی بدون دلیل نمی‌تواند قضات را از وظایف عزل نماید. در قانون اساسی آمده است: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است، بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به‌طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد؛ مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد» (ق.ا. اصل ۱۶۴).

۴. نظارت بر قوه قضائیه

مسئله نظارت بر قوای حکومتی، از امور مهم و اساسی یک نظام سیاسی است. اعمال نظارت مؤثر مستلزم آن است که مقام ناظر از سویی در جریان امور قرار بگیرد و از سوی دیگر ابزار کافی برای اعمال فشار و جلوگیری از خطا و اشتباهات در اختیار داشته باشد (هریسی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص ۲۰۳). یکی از نهادهای اصلی حکومت، قوه قضائیه است. نهاد قوه قضائیه و قضات، بیش از نهادهای دیگر در معرض سوءاستفاده از سمت قضاوت قرار دارد؛ زیرا مرجع حل و فصل دعاوی و اختلافات است. ممکن است طرفین دعوا برای پیروزی بر جانب مقابل مبالغ هنگفتی را پیشنهاد نماید. اگر قاضی تقوای کافی نداشته باشد، ممکن است بسیار سریع به فساد رشوه‌خواری مبتلا شود. بنابراین، برای جلوگیری از فساد اداری و رشوه‌خواری در قوه قضائیه باید نهادی یا مقامی وجود داشته باشد و بر فعالیت قوه قضائیه و حسن اجرای قضاوت، نظارت نماید. اکنون این امر مهم در کشورهای یادشده بررسی می‌گردد.

۴-۱. جمهوری اسلامی افغانستان

طبق مفاد قانون اساسی افغانستان، نهادی مستقل و جدا برای نظارت بر قوه قضائیه وجود ندارد. نبودن نهاد مستقل به این معنا نیست که اساساً بر قوه قضائیه نظارت وجود ندارد. قوه مقننه افغانستان، هرچند وظیفه اصلی اش قانون‌گذاری است، بر اعمال قوای مجریه و قوه قضائیه نظارت دارد؛ زیرا قوه مقننه بر اساس نظارت بر قضات و عملکرد آنها می‌تواند محاکمه رئیس یا عضو ستره محکمه را به جهت ارتکاب جرم ناشی از اجرای وظیفه درخواست نماید. اصل ۱۲۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرگاه بیش از یک‌ثلاث اعضای ولسی جرگه، محاکمه رئیس و یا عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نماید و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دوثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل، و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد. تشکیل محکمه و طرز‌العمل محاکمه، توسط قانون تنظیم می‌گردد» (ق.ا. اصل ۱۲۷).

از طرفی دیگر، ستره محکمه بر اساس سلسله‌مراتب اداری بر فعالیت قضات زیردست حق نظارت دارد و بر اساس این صلاحیت می‌تواند قضات مادون را مؤاخذه، ترفیع، تبدیل و تقرر نماید. در اصل ۱۳۲ قانون اساسی آمده است: «قضات به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس‌جمهور تعیین می‌گردند. تقرر، تبدیل، ترفیع، مؤاخذه و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون، از صلاحیت ستره محکمه می‌باشد. ستر محکمه به‌منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی و تأمین اصلاحات لازم، آمریت عمومی اداری قوه قضائیه را تأسیس می‌نماید» (ق.ا. اصل ۱۳۲).

۴-۲. جمهوری عربی مصر

قانون اساسی مصر نهادهای متعددی را برای نظارت بر قوه قضائیه تأسیس نموده است. از این جهت، قانون اساسی مصر می‌تواند برای کشورهای دیگر الگوی مناسبی باشد. نویسندگان قانون اساسی مصر به خوبی به این امر مهم و

اساسی توجه داشته‌اند که قوه قضائیه بیشتر در معرض فساد اداری و رشوه‌خواری قرار دارد. از این‌رو، نهادهای متعددی را برای نظارت بر عملکرد قضات و قوه قضائیه تأسیس نموده‌اند که در ادامه ذکر می‌گردد.

۲-۴-۱. کمیساریای مالی مبارزه با فساد

طبق مفاد قانون اساسی مصر، کمیساریای مالی مبارزه با فساد تشکیل می‌شود و با هر نوع فساد در دستگاه‌های اداری مبارزه می‌کند و بر آنها نظارت دارد. از جمله این دستگاه‌های اداری، نهاد قوه قضائیه است. در قانون اساسی مصر آمده است: «کمیساریای ملی مبارزه با فساد، کار مبارزه با فساد، رفع تضاد منافع، ارائه معیارهای شفاف‌سازی و تدوین راهبرد ملی مربوط به آن و ضمانت‌های اجرای آن با هماهنگی سازمان‌های مستقل دیگر و نیز نظارت بر دستگاه‌های مربوطه را که قانون تعیین می‌کند، بر عهده دارد» (ق. ا. اصل ۲۰۴).

۲-۴-۲. دادگاه عالی قانون اساسی

قوانین اساسی در جهان سامانه‌ای را برای سنجش مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی ایجاد می‌کند و از این طریق حفاظت از عالی‌ترین سند حقوقی و سیاسی جامعه را تضمین می‌نماید (عباسی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸-۱۱۳). بر این اساس، دادگاه قانون اساسی مصر وظیفه حفاظت از قانون اساسی و نظارت بر کلیه قوانین به جهت مغایر نبودن با قانون اساسی را دارد. از این‌رو، بر قوه قضائیه و قوانین و آیین‌نامه‌های او نیز نظارت و کنترل دارد. در اصل ۱۷۵ قانون اساسی مصر آمده است: «این دادگاه یک دستگاه قضایی مستقل است. مقر آن در قاهره قرار دارد و تنها مرجعی است که به بررسی مطابقت قوانین و لوایح با قانون اساسی می‌پردازد. قانون، تخصص‌های دیگری برای آن تعیین کرده است» (ق. ا. اصل ۱۷۵).

۲-۴-۳. دستگاه مرکزی محاسبات

بر اساس مفاد قانون اساسی مصر، این دستگاه بر کلیه اموال دولت و سایر دستگاه‌ها طبق قانون نظارت و کنترل دارد (ق. ا. اصل ۲۰۵). دولت شامل سه نهاد اصلی حکومت (قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه) است.

۳-۴. جمهوری اسلامی پاکستان

در قانون اساسی پاکستان نیز نهادی مستقل و جدا برای نظارت بر قوه قضائیه وجود ندارد؛ اما نظارت درون نهاد قوه قضائیه بر اساس سلسله‌مراتب اداری وجود دارد. دیوان عالی بر دادگاه‌های عالی، و دادگاه‌های عالی بر دادگاه‌های مادون نظارت دارد. در قانون اساسی پاکستان آمده است: «هر دادگاه عالی، دادگاه‌های تابعه خود را کنترل و بر آنها نظارت خواهد کرد» (ق. ا. اصل ۲۰۳).

دادگاه شریعت فدرال که رئیس و اعضای آن به وسیله رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود نیز نقش نظارتی دارد؛ زیرا وی مسئولیت کنترل قوانین و عدم مغایرت آن با احکام اسلامی را بر عهده دارد. از این‌رو، بر تصمیمات و آرای قضایی و مطابقت آن با قوانین اسلامی کنترل و نظارت می‌نماید. در بند ۳ اصل ۲۰۳ آمده است: «تصمیماتی که

دادگاه شریعت به موجب صلاحیت محوله در این فصل، اتخاذ می‌نماید، برای دادگاه عالی و کلیه دادگاه‌های تابعه آن لازم‌الاجرا خواهد بود» (ق. ا. اصل ۲۰۳).

۴-۴. جمهوری اسلامی ایران

طبق قانون اساسی در ایران نیز نهادی مستقل و جدا برای نظارت بر قوه قضائیه وجود ندارد؛ اما از آنجا که قوه قضائیه کاملاً مستقل از سایر قواست و ریاست آن را مستقیماً مقام معظم رهبری نصب و عزل می‌نماید و از طرفی جایگاه رهبری بالاتر از قوای سه‌گانه است، طبعاً بر اعمال قوای سه‌گانه به‌ویژه قوه قضائیه نظارت دارد؛ زیرا یکی از وظایف مصرح رهبری در قانون اساسی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام است (ق. ا. بند ۲، اصل ۱۱۰). سیاست‌های کلی را قوای سه‌گانه اجرا می‌نمایند. بنابراین، رهبری بر فعالیت‌ها و عملکردهای قوای سه‌گانه نظارت دارد. از جانب دیگر، نظارت درون‌سیستمی در قوه قضائیه وجود دارد. بر اساس سلسله‌مراتب اداری، نهادهای بالاتر بر نهادهای پایین‌دست نظارت می‌نمایند. به‌علاوه نهادهای خاصی نیز برای نظارت درون‌سیستمی تأسیس شده است که در ادامه ذکر می‌گردد.

۴-۴-۱. دیوان عالی کشور

بر اساس قانون اساسی، دیوان عالی کشور زیر نظر قوه قضائیه تشکیل می‌شود و علاوه بر وظایف دیگر، وظیفه نظارت بر اجرای صحیح قوانین را نیز دارد. در قانون اساسی آمده است: «دیوان عالی کشور به‌منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود، بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند، تشکیل می‌گردد» (ق. ا. اصل ۱۶۱).

۴-۴-۲. دیوان عدالت اداری

برای نظارت و رسیدگی بر امور اداری و نظارت بر مأمورین و واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی، دیوان عدالت اداری زیر نظر قوه قضائیه تأسیس می‌شود و مرجع رسیدگی به شکایات اداری است. قانون اساسی مقرر می‌دارد: «به‌منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند» (ق. ا. اصل ۱۷۳).

۴-۴-۳. سازمان بازرسی کل کشور

طبق قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور یک نهاد قضایی است که بر همه نهادهای سه‌گانه دولتی حق نظارت دارد و تمام دستگاه‌های اداری و سازمانی را بازرسی می‌نماید. در قانون اساسی آمده است: «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام

سازمان بازرسی کل کشور، زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند» (ق. ا. اصل ۱۷۴).

۵. وظایف و صلاحیت‌های قوه قضائیه

قوه قضائیه یکی از سه نهاد اصلی حکومت است. ماهیت عمل قضایی ایجاب می‌کند نهاد قضایی ایجاد شود و مسئولان قضایی با توجه به قانون، رویه قضایی، آرای علمای حقوق و اصول حقوقی، دست به صدور رأی بزنند. بنابراین عمل دستگاه قضایی، ارزش مستقل و خاص دارد و نمی‌تواند یکی از تبعات قوه مجریه به‌شمار آید (قاضی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۲-۲۷۳). طبق این مبنا، در کشورهای مختلف قوه قضائیه یک قوه مستقل است و ترکیب و ساختار متفاوتی دارد و به تناسب آن، وظایف و صلاحیت‌های آنها نیز متفاوت و متعدد است که در ادامه بررسی می‌گردد.

۵-۱. جمهوری اسلامی افغانستان

فلسفه تشکیل قوه قضائیه، رسیدگی به شکایات و تظلمات و حل و فصل دعاوی است که شخص حقیقی یا حقوقی آن را از محکمه درخواست می‌نماید. قوه قضائیه افغانستان نیز بر این وظیفه اساسی تأکید می‌کند و در ضمن وظایف دیگری را نیز برای قوه قضائیه تعیین می‌نماید.

۵-۱-۱. حل و فصل دعاوی

طبق قانون اساسی افغانستان، وظیفه اصلی قوه قضائیه رسیدگی به دعاوی و حل و فصل شکایات و تظلمات است. در این زمینه قانون اساسی مقرر می‌دارد: «صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود» (ق. ا. اصل ۱۲۰).

۵-۱-۲. نظارت بر مطابقت قوانین با قانون اساسی

ستره محکمه افغانستان صلاحیت تطبیق قوانین با قانون اساسی را دارد و حافظ اصول قانون اساسی است. نظارت ستره محکمه بر قوانین عادی، از نوع نظارت قضایی و پسینی است. استقلال و بی‌طرفی این نهاد و نظارت غیرمتمرکز آن، ویژگی برتر این نهاد است؛ اما انحصار درخواست رسیدگی به دولت و محاکم و عدم توانایی افراد به چنین درخواستی، از کاستی‌های این نوع نظارت است (صداقت، ۱۳۸۵، ص ۴). در قانون اساسی افغانستان آمده است: «بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین‌الدول و میثاق‌های بین‌المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون، از صلاحیت ستره محکمه می‌باشد» (ق. ا. اصل ۱۲۱)؛ علاوه بر آن، پیشنهاد لوایح قانونی در امور قضایی، حل تعارض صلاحیت محاکم، ایجاد وحدت رویه قضایی، ارائه نظر مشورتی به محاکم در امور قضایی را نیز دارد» (ماده ۲۹، قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه افغانستان، مصوب ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۴).

۳-۱-۵. ترفیع، تبدل و مجازات قضات

یکی از وظایف ستره محکمه افغانستان، تبدل مجازات و ترفیع قضات دادگاه‌هاست. در قانون اساسی آمده است: «تقرر، تبدل، ترفیع، مؤاخذه و پیشنهاد تقاعد قضات، مطابق به احکام قانون، از صلاحیت ستره محکمه می‌باشد. ستره محکمه به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی و تامین اصلاحات لازم، آمریت عمومی اداری قوه قضائیه را تأسیس می‌نماید» (ق. ا. اصل ۱۳۲).

اما تعیین و نصب قضات و همچنین عزل قضات، به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور صورت می‌گیرد. در این زمینه قانون اساسی مقرر می‌دارد: «قضات به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور تعیین می‌گردند» (ق. ا. اصل ۱۳۳). درباره عزل و مجازات قضات آمده است: «هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتی که ستره محکمه اتهام را وارد بداند، پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می‌شود» (ق. ا. اصل ۱۳۳).

۴-۱-۵. تطبیق بودجه

بر اساس مفاد قانون اساسی، بودجه قوه قضائیه جزء بودجه دولت است که از طریق حکومت به شورای ملی تقدیم می‌شود. تعیین میزان بودجه و تطبیق بودجه بر موارد مصرف، از وظایف ستره محکمه است. در این خصوص قانون اساسی مقرر می‌دارد: «بودجه قوه قضائیه به مشوره حکومت از طرف ستره محکمه ترتیب گردیده، به حیث جزء بودجه دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم می‌شود. تطبیق بودجه قوه قضائیه، از صلاحیت ستره محکمه می‌باشد» (ق. ا. اصل ۱۲۵).

۵-۲. جمهوری عربی مصر

قوه قضائیه مصر نیز از نهادهای مختلفی تشکیل شده و دارای وظایف و صلاحیت‌های متعدد و گوناگونی است که در ادامه بررسی می‌گردد.

۵-۲-۱. حل و فصل منازعات

اساسی‌ترین وظیفه قوه قضائیه حل و فصل دعاوی و منازعات است. قانون اساسی مصر نیز این تکلیف را برای قوه قضائیه مقرر نموده است: «دستگاه قضا مأمور حل و فصل تمامی منازعه‌ها و جنایات غیر از مسائل مربوط به دستگاه قضایی دیگر را شامل می‌شود. این دستگاه منازعات مربوط به اعضای خود را نیز حل و فصل می‌کند» (ق. ا. اصل ۱۷۲).

۵-۲-۲. نظارت بر تطبیق قوانین با قانون اساسی

از مهم‌ترین صلاحیت قوه قضائیه مصر، حفظ و مراقبت از قانون اساسی است. این مسئولیت مهم بر عهده دادگاه عالی قانون اساسی مصر است که قانون اساسی را معیار و اصل قرار دهد و قوانین دیگر را با آن بسنجد و در صورت مغایرت، آنها را لغو و ابطال نماید (ق. ا. اصل ۱۷۵).

۳-۲-۵. رسیدگی به تخلفات اداری

در تشکیلات قوه قضائیه مصر، نهاد دادگاه تخلفات اداری تأسیس شده است که منازعات اداری و اجرایی را حل و فصل می‌نماید. در قانون اساسی مصر آمده است:

دادگاه تخلفات اداری، یک دستگاه قضایی مستقل است که تنها مرجع حل و فصل منازعات اداری و منازعات اجرایی متعلق به احکام آن است. این دادگاه بررسی دادخواست‌ها و شکایت‌های تأدیبی را بر عهده دارد و در مسائل حقوقی که قانون مشخص کرده، نظر می‌دهد. این مجلس، بررسی و تهیه پرونده‌های قوانین تصمیم‌ساز با ماهیت قانونی را بر عهده دارد و بررسی قراردادهایی که دولت یک طرف آنها باشد، از دیگر وظایف آن است (ق. ا. اصل ۱۷۴).

۴-۲-۵. رسیدگی به تخلفات مالی

تخلفات مالی و اخذ رشوه یکی از آسیب‌های جدی دستگاه حکومتی است. اکثر نظام‌های حکومتی با فساد اداری و اخذ رشوه و اختلاس از اموال دولتی مواجه‌اند. بنابراین، برای جلوگیری از این مشکل و پیشگیری از فساد مالی نهادی تأسیس شده است تا بر مقامات حکومتی نظارت داشته باشد و بر این تخلفات رسیدگی نماید. در جمهوری عربی مصر این تکلیف بر عهده دادستانی اداری است که یک نهاد مستقل قضایی است. در این باره قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دادستانی اداری نهاد مستقل قضایی است و وظیفه آن تحقیق در تخلفات مالی و اداری و پیگیری شکایت‌ها در دادگاه‌های شورای دولت و اتخاذ اقدامات قانونی برای رفع کوتاهی‌های صورت گرفته در عملکرد ارکان عمومی است. قانون شرح وظایف این نهاد را تعیین می‌کند و اعضای آن از مصونیت، ضمانت، حقوق و وظایف مقرر شده برای اعضای قوه قضایی برخوردار هستند» (ق. ا. اصل ۱۸۰).

۳-۵. جمهوری اسلامی پاکستان

قوه قضائیه پاکستان نیز وظایف و تکالیف متعددی دارد. اصلی‌ترین و بدیهی‌ترین وظیفه او، رسیدگی به شکایات و تظلمات و حل و فصل دعاوی است؛ اما وظایف مهم دیگری نیز دارد که در ادامه بررسی می‌گردد.

۱-۳-۵. رسیدگی به اختلافات حکومت‌های ایالتی

کشور پاکستان دارای نظام فدرالی و متشکل از یک حکومت مرکزی و تعدادی حکومت‌های ایالتی است. اگر میان حکومت‌های ایالتی اختلاف و نزاعی به وجود بیاید، در این صورت از صلاحیت دیوان عالی پاکستان است که بر این امور رسیدگی کند و دعاوی فی‌مابین حکومت‌های ایالتی را حل و فصل نماید. در قانون اساسی آمده است: «دیوان عالی مستثنی از سایر دادگاه‌ها در رسیدگی به اختلاف دو یا چند حکومت دارای صلاحیت رسیدگی نخستین خواهد بود» (ق. ا. اصل ۱۸۴).

۳-۲. صلاحیت تجدیدنظر در آرای دادگاه‌های عالی

دیوان عالی پاکستان می‌تواند در آرای نهایی صادره از دادگاه‌های عالی پاکستان تجدیدنظر کند و آنها را اصلاح نماید یا تغییر دهد. در این زمینه قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دیوان عالی با رعایت این اصل، صلاحیت استماع و تشخیص استیناف در مورد آراء، احکام، قرارها یا قضاوت‌های نهایی دادگاه عالی را دارد» (ق.ا. اصل ۱۸۵).

۳-۳. نظارت بر مطابقت قوانین با احکام اسلامی

یکی از اساسی‌ترین ارکان قوه قضائیه در پاکستان، دادگاه شریعت فدرال است. دادگاه شریعت فدرال حافظ احکام اسلامی و تطبیق قوانین با دستورات اسلامی است. قوانین و مقررات دادگاه فدرال شریعت، بر هر قانونی ارجحیت دارد. درباره صلاحیت این دادگاه، در قانون اساسی آمده است: «دادگاه بنا به تشخیص خود و یا دادخواست یک شهروند پاکستانی یا دولت فدرال و یا حکومت ایالتی، می‌تواند مسئله‌ای را مورد بررسی قرار داده و مغایرت یا عدم مغایرت قانون یا مفادی از قانون را با احکام اسلامی که در قرآن کریم و سنت پیامبر - که از این به بعد به‌عنوان احکام اسلامی نام برده می‌شوند - بیان شده تعیین نماید» (ق.ا. بند د، اصل ۲۰۳).

اگر به تشخیص دادگاه شریعت فدرال، قانون یا مفادی از آن مغایر با احکام اسلامی تشخیص داده شود، دادگاه مذکور حدود قانون مغایر و دلایل مغایرت آن را به رئیس‌جمهور ارائه می‌نماید. در این زمینه قانون اساسی مقرر می‌دارد: «رئیس‌جمهور در مورد قانونی که به موضوع مندرج در فهرست قانون‌گذاری کشور یا فهرست قانون‌گذاری مشترک مربوط است، و یا فرماندار در مورد قانونی که با توجه به موضوعی که در هیچ یک از فهرست‌های مزبور ذکر نشده است، به‌منظور انطباق قانون فوق یا مفادی از آن با احکام اسلامی اقداماتی را نسبت به اصلاح آن به عمل خواهد آورد» (ق.ا. بند الف، بخش ۳، اصل ۲۰۳).

۳-۴. صلاحیت وضع قانون

دادگاه فدرال شریعت، صلاحیت وضع قانون و ضابطه جدید دارد. قوانین این دادگاه بر همه دادگاه‌های عالی و دادگاه‌های تابعه لازم‌الاجراست. داشتن این صلاحیت، امتیازی است که می‌تواند الگویی برای نهادهای مشابه در سایر کشورهای اسلامی باشد. قانون اساسی پاکستان در مورد صلاحیت مذکور می‌گوید: «دادگاه به‌منظور اجرای این فصل «مربوط به دادگاه شریعت فدرال» می‌تواند ضوابطی را از طریق اعلامیه در روزنامه رسمی تعیین نماید» (ق.ا. بند ی، اصل ۲۰۳).

۴-۵. جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه ایران نیز دارای نهادهای متعددی است که بیشتر به امور قضاوت و قضات وظایفی که برای قوه قضائیه تعریف شده است، می‌پردازد که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۴-۵. رسیدگی به شکایات و تظلمات

اساسی‌ترین وظیفه قوه قضائیه حل و فصل امور و دعاوی و رسیدگی به شکایات و تظلمات است و برای اجرای عدالت و احقاق حقوق فردی و اجتماعی تلاش می‌نماید. در این باره قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد: «قوه قضائیه قوه‌ای مستقل است که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می‌کند» (ق.ا. اصل ۱۵۶).

۴-۵. ایجاد وحدت رویه قضایی

از وظایف مهم قوه قضائیه ایجاد وحدت رویه قضایی است که حکم قانون را دارد و قضات و دادگاهها مکلفند بر اساس وحدت رویه عمل نمایند. این وظیفه مهم بر عهده دیوان عالی کشور است. در قانون اساسی آمده است: «دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود، بر اساس ضوابط که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند، تشکیل می‌گردد» (ق.ا. اصل ۱۶۱).

۴-۵. حل و فصل شکایات اداری

اگر مردم نسبت به کارمندان اداری یا واحدها و سازمان‌ها یا بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی اعتراض و شکایت داشته باشند، می‌توانند برای احقاق حقوق به دیوان عدالت اداری، که یکی از نهادهای قضایی است، مراجعه و درخواست رسیدگی نمایند. در این باره در قانون اساسی آمده است: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند» (ق.ا. اصل ۱۷۳).

۴-۵. نظارت بر اجرای صحیح قوانین

طبق مفاد قانون اساسی قوه قضائیه نسبت به فعالیت‌های قوه مجریه و جریان امور اداری و اجرای صحیح قوانین حق نظارت و بازرسی دارد. برای اجرای این حق، رئیس قوه قضائیه نهادی مستقل و مشخص را تأسیس و ایجاد نموده است. در قانون اساسی آمده است: «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند» (ق.ا. اصل ۱۷۴).

نتیجه‌گیری

از بررسی تطبیقی قوه قضائیه در کشورهای جمهوری اسلامی افغانستان، پاکستان، ایران و جمهوری عربی مصر نتایج زیر به دست آمده است:

الف. قوه قضائیه افغانستان از لحاظ ساختار و تشکیلات، دچار نقص و فاقد نهادهای لازم است و باید سازمان‌های دیگری همانند سازمان بازرسی کل کشور و دادگاه تخلفات اداری به آن اضافه گردد. از لحاظ صلاحیت و وظایف نیز باید اصلاحات جدی صورت گیرد؛ زیرا وظیفه ستره محکمه باید ایجاد وحدت رویه و نظارت بر اجرای قوانین در محاکم باشد؛ درحالی‌که طبق قانون اساسی از مهم‌ترین وظایف آن، حفاظت، تطبیق و تفسیر قانون اساسی است. انجام این وظیفه سنگین و بااهمیت، از صلاحیت ستره محکمه خارج است و باید نهاد مستقل و معینی همانند شورای نگهبان در ایران و دادگاه قانون اساسی در مصر تأسیس شود و این مسئولیت را بر عهده گیرد.

ب. قوه قضائیه جمهوری عربی مصر دارای تشکیلات منظم و متعددی است و به نظر می‌رسد الگوی مناسبی برای کشورهای دیگر باشد. نهادهای عمده آن عبارتند از: ۱. دادگاه عالی قانون اساسی؛ ۲. دادگاه تخلفات اداری؛ ۳. دادگاه نظامی؛ ۴. نهاد قضایی دولت؛ ۵. دادستانی اداری. از سوی دیگر، نظارت بر قوه قضائیه در مصر بسیار شدید و بااهمیت است. نهادهای ذیل وظیفه نظارت بر قوه قضائیه را بر عهده دارند: ۱. کمیساریای مالی مبارزه با فساد؛ ۲. دادگاه عالی قانون اساسی؛ ۳. دستگاه مرکزی محاسبات؛ اما چالش بزرگ آن، وابستگی به ریاست جمهوری است.

ج. قوه قضائیه پاکستان از جهت ترکیب و ساختار، دارای نهادهای متعددی است که وظایف مختلفی را انجام می‌دهند؛ اما مهم‌ترین چالش آن، عدم استقلال قوه قضائیه است. اکثر قضات، قضات دیوان عالی، رئیس دیوان عالی، قضات و رئیس دادگاه‌های عالی و صلاحیت افزایش قضات و نقل و انتقال قضات از محلی به محل دیگر، همه توسط رئیس‌جمهور انجام می‌شود. وابستگی قوه قضائیه به قوه مجریه چالش بزرگ است و نیازمند اصلاح جدی است. شاخص‌ترین امتیاز قوه قضائیه پاکستان، دادگاه شریعت فدرال است که عهده‌دار تطبیق قوانین با احکام اسلامی است. از سویی، صلاحیت وضع قوانین جدید را نیز دارد. ابتکار وضع قوانین جدید، شاخصی است که برای نهادهایی مثل شورای نگهبان در ایران و دادگاه عالی قانون اساسی در مصر می‌تواند الگو باشد.

د. قوه قضائیه ایران از لحاظ ساختاری دارای تشکیلات منظم و متعددی است. ویژگی مهم قوه قضائیه ایران استقلال و عدم وابستگی آن به قوای دیگر حکومتی است. رئیس قوه قضائیه توسط مقام رهبری انتخاب شده و بقیه قضات و اعضای قوه قضائیه توسط رئیس قوه قضائیه انتخاب می‌شود. بنابراین، هیچ‌گونه وابستگی به قوه مجریه ندارد. عدم وابستگی و استقلال، امر حیاتی در نهاد قضایی است و زمینه اجرای عدالت و احقاق حقوق را بیش از پیش فراهم می‌نماید. چالش بزرگ قوه قضائیه ایران، نبودن نهاد نظارتی مستقل بر آن است. هرچند مقام رهبری از بالا بر قوای سه‌گانه نظارت دارد؛ اما این نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام است و کافی نیست؛ زیرا قوه قضائیه دارای نهادهای متعدد و گسترده در سراسر کشور است و نیاز دارد نهاد مستقل و دارای تشکیلات تأسیس شود تا بر اعمال قوه قضائیه نظارت نماید. ایران در زمینه تأسیس نهادهای نظارتی بر قوه قضائیه می‌تواند از جمهوری عربی مصر الگوگیری نماید.

منابع

- احمدی، عیدمحمد، ۱۳۸۶، «مبانی قانونگذاری در افغانستان»، معرفت، ش ۱۱۸، ص ۱۵۷-۱۶۹.
- جریده رسمی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۴، قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان، کابل، وزارت عدلیه، ش ۸۵۱.
- حسینی بهشتی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۷، *مبانی نظری قانون اساسی*، تهران، بقیه.
- حسینی، سیدابراهیم، ۱۳۹۶، *شریعت و تقنین در کشورهای اسلامی ایران، عربستان و پاکستان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- صداقت، قاسم‌علی و همکاران، ۱۳۸۸، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان*، قم، نشر بین‌المللی المصطفی.
- صداقت، قاسم‌علی، ۱۳۸۵، «ستره محکمه و صیانت از قانون اساسی»، *مطالعات حقوقی افغانستان*، ش ۲، ص ۴-۱۹.
- عباسی، بیژن، ۱۳۸۸، *مبانی حقوق اساسی*، تهران، جنگل.
- علیزاده، احمد، بی‌تا، *فرایند شکل‌گیری قانون اساسی در لویه جرگه*، افغانستان، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۴، *حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی*، تهران، نشر میزان.
- _____، ۱۳۹۱، *حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چ ششم، تهران، امیرکبیر.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، ۱۳۸۳، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، چ دوازدهم، تهران، نشر میزان.
- _____، ۱۳۹۲، *بایسته‌های حقوق اساسی*، چ چهل‌وهفتم، تهران، نشر میزان.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۲۰۰۴ میلادی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ هجری شمسی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان مصوب ۱۲ آوریل ۱۹۷۳ میلادی.
- قانون اساسی جمهوری عربی مصر مصوب ۲۲ دسامبر ۲۰۱۲ میلادی.
- کعبی، عباس و همکاران، ۱۳۹۱، «تحلیل و بررسی قانون اساسی مصر»، *بررسی‌های حقوق عمومی*، ش ۱، ص ۶۷-۹۱.
- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۹، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر میزان.
- هریسی‌نژاد، کمال‌الدین، ۱۳۸۷، *حقوق اساسی تطبیقی*، تبریز، آیدین.

